

امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه بیستم

فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی

۹۵/۳/۶

فصل دوم: «امنیت فضای مجازی»

۲.۱. تعریف امنیت فضای مجازی

«حفاظت و مقاوم سازی دارایی های فضای مجازی در برابر تهدیدهای فضای مجازی»

۲.۲. تهدیدهای امنیتی فضای مجازی

فصل سوم: «احکام امنیت فضای مجازی»

۳.۱. سرقت سخت افزار :

حدّ سرقت تلفن همراه

بحث ما در باب حدّ سرقت این بود که سرقت تلفن همراه از جیب صاحب آن

شامل حکم قطع دست می شود یا نه؟

موثقه سکونی:

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أُتِيَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِطَرَّارٍ قَدْ طَرَّ دَرَاهِمَ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ
قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعْهُ وَ إِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الدَّاخِلِ قَطَعْتُهُ.

- دو احتمال در معنای حدیث:

۱- الداخل صفت قمیصه است و مفعول طرّ ، دراهم است که به قرینه
حذف شده.

۲- الداخل مفعول طرّ است.

مشکل: جیب داخلی لباس رویی

نتیجه گیری:

«إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعْهُ وَ إِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الدَّخِلِ قَطَعْتُهُ»

راه حل اول : الداخل مفعول طرّ باشد

راه حل دوم : الداخل را صفت قمیص بگیریم + فرض پیراهنی روی پیراهن دیگر + معیار

مذکور برای اجرای حد در پیراهن زیرین داخل بودن آنست (متبادر از کلمه الداخل)

راه حل سوم: تفصیل شیخ طوسی در فرضی است که جیب زیرین برای لباس رویی مطرح

نبوده + با تنقیح مناط باید حکم جیب داخلی لباس رویی را نیز به حکم لباس زیری سرایت

داد. (استنباط از ظهور تعلیلیت وصف الداخل برای صورتی که مذکور در روایت نیست)

راه حل چهارم: (بهترین راه حل) از صحیحہ محمد بن مسلم «قَدْ حَوَاهُ وَ أَخْرَزَهُ» بدست

می آید که معیار اجرای حد در حرز بودن مال است + جیب داخلی نیز عرفاً حرز است

(شاهد : روایت سکونی)

نکات بحث:

....

نکته چهارم: این که گاهی اوقات جیب شلوار یا یقه پیراهن دارای زیپ یا دگمه است. و این امر در قرون اولیه نیز مرسوم بوده است. فراهیدی (م. ۱۷۵) چنین آورده است:

الزَّرُّ: جُوزِيَةُ الجِيبِ،

زَرّ عبارتست از دگمه جیب

جویزه مصغّر جوز به معنای گردوست که در اینجا در تفسیر دگمه از آن استفاده شده است. جیب در اینجا به معنای گریبان یا یقه یا به معنای جیب فارسی است.

امام خمینی قدس سره (م. ۱۴۰۹) وجود اموری چون دگمه یا زیپ را از مصادیق حرز دانسته‌اند:

مسألة ۱۰- لو سرق من جیب إنسان فإن كان المسروق محرزا كأن كان في الجیب الذي تحت الثوب أو كان على درب جيبه آلة كالآلات الحديثة تحرزه فالظاهر ثبوت القطع، وإن كان في جيبه المفتوح فوق ثيابه لا يقطع، و لو كان الجیب في بطن ثوبه الأعلى فالظاهر القطع، فالميزان صدق الحرز.

فرض ایشان در جایی است که دگمه و زیپ موجب حرز و محافظت گردد ولی اگر دگمه به قدری شل و رها باشد که حرز محسوب نگردد حکم قطع ثابت نیست. همچنین مجرد لبه داشتن جیب موجب حرز و حفاظت نمی‌شود.

نتیجه نهایی بحث:

بنابر آنچه گفته شد معیار اصلی در اجرای حدّ سرقت وجود حرز و حفاظ است.

اینک به بررسی مفهوم حرز می پردازیم:

مفهوم حرز:


شیخ طوسی (م. ۴۶۰) حد سرقت را موکول به وجود حرز کرده و در غیر آن صرفاً تعزیر را واجب دانسته است. اما در تفسیر حرز مفهوم دیگری را نیز اضافه می کند:

فإن سرق إنسان من غير حرز، لم يجب عليه القطع، وإن زاد على ما ذكرناه في المقدار، بل يجب عليه التعزير. و الحرز هو كل موضع لم يكن لغير المتصرف فيه الدخول إليه إلا بإذنه، أو يكون مقفلاً عليه، أو مدفوناً. فأما المواضع التي يطرقها الناس كلهم، و ليس يختص بواحد دون غيره، فليست حرزاً. و ذلك مثل الخانات و الحمامات و المساجد و الأرحية و ما أشبه ذلك من المواضع. فإن كان الشيء في أحد هذه المواضع مدفوناً، أو مقفلاً عليه، فسرقة إنسان، كان عليه القطع، لأنه بالقفل و الدفن قد أحرزه.

آنچه از تفسیر اول در این عبارت فهمیده می شود این که یکی از موارد حرز این است که مال در جایی باشد که تنها متصرف می تواند داخل آنجا شود.

ابن زهرة (م. ۵۸۵) نیز به لزوم حرز در اجرای حد سرقت اشاره کرده و آن را اجماعی می‌داند:

و منها: أن يكون مخرجا من حرز، و روى أصحابنا: أن الحرز في المكان هو الذي لا يجوز لغير مالكة أو مالك التصرف فيه دخوله إلا بإذن، و يدل على جميع ذلك إجماع الطائفة



ولی این تفسیر صحیحی نیست. چون می‌توان مواردی را مثال زد که مال در حرز نیست ولی ورود افراد دیگر در آنجا نامجاز است:

۱- اگر پول در جیب بیرونی باشد دست بردن سارق درون جیب دیگری تصرف نامجاز است ولی این مورد طبق روایات حرز محسوب نمی‌شود.

۲- اگر درب خانه کسی باز باشد و مالش در حیاط باشد مال در حرز نیست ولی دخول در خانه بدون اذن جایز نیست.

از ظاهر کلام شیخ طوسی برمی‌آید که این گونه موارد حرز محسوب می‌شود ولی همان طور که گفته شد این تفسیر صحیح نیست.

به همین جهت ابن ادریس (م. ۵۹۸) بر شیخ اشکال گرفته است:

اما حدّه للحرز بما حدّه، فغير واضح لانه قال- و الحرز هو كل موضع لم يكن لغير المتصرف فيه الدخول اليه الا باذنه-، و هذا على إطلاقه غير مستقيم لان دار الإنسان إذا لم يكن عليها باب، أو يكون عليها باب و لم تكن مغلقة و لا مقفلة، و دخلها إنسان و سرق منها شيئاً، لا قطع عليه بلا خلاف، و لا خلاف انه ليس لأحد الدخول إليها إلا بإذن مالكها، فلو كان الحد الذي قاله مستقيماً لقطعنا من سرق من هذه الدار، لانه ليس لأحد دخولها إلا بإذن صاحبها فهي حرز على حده رضى الله عنه.

و نیز به همین جهت محقق حلی (م. ۶۷۶) حرز را صرفاً وجود قفل یا درب بسته یا امر دفن شده تفسیر کرده و تفسیر حرز به جایی که ورود به آن نیازمند اذن مالکش است، را قوی ضعیف دانسته است.

و من شرطه أن يكون محرزا بقفل أو غلق أو دفن و قيل كل موضع ليس لغير مالكة الدخول إليه إلا بإذنه

این احتمال نیز می‌رود که در عبارت شیخ طوسی تصحیفی رخ داده باشد و تفسیر اول با «واو» به تفسیر دوم و سوم عطف شده باشد نه با «او».

لذا تعریفی که ابن حمزة (م. بعد از ۵۶۶) آورده متفاوت است:

و الحرز كل موضع لا يجوز لغير مالكة الدخول فيه أو التصرف فيه بغير إذنه و كان مغلقا أو مقفلا

نسبیت در معنای حرز:

بحثی در میان فقها وجود دارد که آیا حرز به نسبت امور مختلف متفاوت است مثل این که حرز سبزیجات با حرز طلاجات متفاوت است یا این که حرز مفهومی ثابت دارد و اگر چیزی برای کالایی حرز بود برای همه چیز حرز است شیخ طوسی دو قول برای تعریف حرز ذکر کرده است:

فإذا ثبت أنه لا قطع إلا على من سرق من حرز احتجنا إلى تبين الحرز و معرفته مأخوذة من العرف، فما كان حرزا لمثله في العرف ففيه القطع، و ما لم يكن حرزا لمثله في العرف فلا قطع، لانه ليس بحرز.

در این تعریف حرز مفهومی نسبی و مأخوذ از عرف است یعنی حرز هر چیز به حسب خودش تعیین می‌شود و جابه‌جا متفاوت است. شیخ بعد از نقل این عبارت سپس به مفهومی عینی از حرز متمایل می‌شود که در آن حرز همه چیز یکسان است و آن جایی است که دارای قفل و بست باشد:

و قال قوم إذا كان الموضع حرزا لشيء فهو حرز لسائر الأشياء، و لا يكون المكان حرزا لشيء دون شيء و هو الذي يقوى في نفسي، لأن أصحابنا قالوا إن الحرز هو كل موضع ليس لغير المالك أو المتصرف فيه دخوله إلا بإذنه فإذا ثبت هذا فالمتاع ضربان خفيف و ثقيل فالخفيف كالأثمان و الثياب و الصفر و النحاس و الرصاص و نحو هذا فحرز هذا في الحرائز الوثيقة و الأغلاق الوثيقة و الأبواب الجيدة في الدور و الدكاكين و الخانات، و أما الثقيل كالخشب و الحطب و الطعام فان حرز الحطب أن يُعبأ بعضه على بعض و يشد من فوقه بحبل حتى إذا أراد أن يأخذ منها خشبة يعسر ذلك عليه، و فيهم من قال هذا حرزها نهارا فأما ليلا فلا بد من باب تغلق دونها و ليس بجيد عندهم. و أما الطعام فحرزها أن يجعل في غرائز و يخيط و يجمع و يشد بعضها إلى بعض فإذا كان كذلك فهو حرز له، و قال بعضهم لا بد أن يكون من وراء باب تغلق و يقفل عليه، و هو الأقوى عندي.

والحمد لله رب العالمين